

چند خوان مثل

(فرهنگ داستانواره‌های جانوران در امثال و حکم ادب فارسی)

مؤلفان: علی دانشور، بهرام بشیری

با مقدمه

دکتر سعیدالله قره بگلو

سر شناسه	: پورعلی دانشور، علی، ۱۳۶۳ -
عنوان و پدیدآور	: چند خوان مثل (فرهنگ داستانونه‌های جانوران در امثال و حکم ادب فارسی) / مولفان علی دانشور، بهرام بشیری؛ با مقدمه سعیدالله قره‌بگلو.
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۷۳۱-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	: کتابنامه.
موضوع	: حیوان‌ها — ضرب‌المثل‌ها
موضوع	: ضرب‌المثل‌های فارسی
موضوع	: حیوان‌ها در ادبیات
موضوع	: حیوان‌ها — داستان
شناسه افزوده	: بشیری، بهرام، ۱۳۶۰ -
شناسه افزوده	: قره‌بگلو، سعید، ۱۳۱۹ -، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ پ ۹۷/ح PIR۳۹۹۷
رده بندی دیویی	: ۳۹۸
شماره کتابخانه ملی	: ۴۲۰۳۱۵۹



نشر اختر

چند خوان مثل

(فرهنگ داستانونه‌های جانوران در امثال و حکم ادب فارسی)

مؤلفان: علی دانشور، بهرام بشیری

با مقدمه دکتر سعیدالله قره بگلو

ویراستار: بهرام بشیری

چاپ اول ۱۳۹۵ / ۳۱۲ صفحه / قطع وزیری / شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۷۳۱-۵

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

فہرست

۱۱ مقدمہ مؤلفان

۱۲ مقدمہ دکتر سعید اللہ قرہ بگلو

آ

۱۷ آہو

الف

۱۷ اسب

۲۳ الاغ

ب

۲۳ باز

۲۴ برہ

۲۵ بز

۳۱ بزغالہ

۳۲ بلبل

۳۷ بوزینه

ب

۳۷ پشه

۳۹ پلنگ

ج

۴۰ جوجه

خ

۴۱ خر

۸۱ خرس

۹۴ خروس

ر

۹۵ روباه

ز

۱۰۱ زاغ

س

۱۰۱ سگ

۱۱۴ سوسک

۱۱۷ سیمرغ

ش

۱۱۸ شیش

۱۱۸ شتر

۱۳۰ شغال

۱۳۲ شیر

ط

۱۳۶ طاووس

۱۳۷ طوطی

ع

۱۳۸ عقرب

ف

۱۴۰ فیل

ق

۱۴۲ قاطر

۱۴۳ قورباغه

ک

۱۴۶ کبوتر

۱۴۶ کره‌ختر

۱۴۸ کلاغ

گ

۱۵۴ گاو

۱۶۲ گربه

۱۸۲ گرگ

۱۹۳ گنجشک

۱۹۴ گورختر

۱۹۴ گوساله

۱۹۵ گوسفند

ل

- ۱۹۷ لاشخور
 ۱۹۸ لک لک
 ۱۹۹ لوک

م

- ۱۹۹ مار
 ۲۰۱ ماهی
 ۲۰۲ مرغ
 ۲۰۷ مرغابی
 ۲۰۷ مگس
 ۲۰۸ ملخ
 ۲۱۵ مور
 ۲۱۷ موش

و

- ۲۱۹ وزغ

- ۲۲۱ متفرقه
 ۳۰۶ منابع و مآخذ

مقدمه مؤلفان:

امروزه، با توجه به پیچیدگی‌های زندگی در عصر ارتباطات و فاصله‌ای که بین نسل‌ها ایجاد شده و با عنایت به نشر کتب متعدد از نویسندگان غربی، به‌منظور تعلیم و تربیت و هدایت جوانان، لزوم بازنگری به گنجینه‌های فرهنگی و تعلیمی اصیل ایرانی، بوضوح دیده می‌شود که بازتاب این موارد در داستان‌های مربوط به حیوانات کاملاً محسوس است. بدین‌منظور گردآورندگان مجموعه حاضر طی چهار سال مستدام به جمع‌آوری ضرب‌المثل‌های حیوانات از کتب مرتبط با امثال و حکم جانوران و فابل‌های موجود در ادب فارسی پرداخته‌اند و به جداسازی داستان‌های مرتبط با موارد اشاره هر کدام اقدام کرده‌اند؛ آنگاه مطالب مورد نظر را به ترتیب الفبایی تدوین نموده و در پایان هر داستان به ذکر مأخذ مربوطه پرداخته‌اند.

لازم به ذکر است که اگر داستانی در منابع مختلف دارای روایات متفاوتی بوده، همه روایات در ذیل آن داستان، بی‌هیچ کم و کاستی آمده و در پایان هر قسمت لغات ثقیل و نامأنوس آن به زبان ساده و قابل فهم، توضیح داده شده است.

شاید برای اولین بار است که کاری با این سبک و سیاق و وسعت دامنه در حیطه ادبیات عامه انجام می‌گیرد. امید که شیفتگان به داستانهای عامیانه در فراسوی قالب ظاهری داستانها به اهداف والای تعلیمی آنها کنجکاوانه دقت فرمایند.

علی پورعلی دانشور - بهرام بشیری خطیبی

از تلاش دو عزیز تلاشگر ادب دوست، آقایان بشیری و دانشور، که سالهای سال است در جریان مطالعات و مساعی شان هستم، چنین برمی آید که اقیانوس بی کران ادبیات، با همه کندوکاوها و جست وجوها که در آن شده، هنوز موارد زیادی برای کار کردن دارد که تألیف، تصنیف، نگارش، نقد و گردآوری فرهنگ های موضوعی (نظیر فرهنگ حاضر) از جمله این کارهاست.

همچنان که گفته اند، « نوشتن در دو مورد، دشوار است:

۱ - درباره چیزی که کم گفته و نوشته اند، یا هیچ نوشته؛ درست نظیر رفتن در راهی که کس از آن نرفته؛

۲ - آنجا که درباره چیزی بسیار بسیار گفته و نوشته اند و همه گفتنی ها و جستنی ها را جسته و گفته اند. »^۱

این فرهنگ، از دسته اخیر است.

غور چهار ساله این دو محقق جوان در پهنه وسیع ادبیات و استخراج، استحصال و تدوین صدها

و صدها ضرب‌المثل به همراه شأن تمثیل آنها، دست یازیدن به کار سترگی است که بی‌تردید خالی از کاستی نخواهد بود که امید است با دوباره‌خوانی‌ها، ژرف‌اندیشی‌ها و اظهارنظر صاحب‌نظران، امثال و داستان‌های بیشتری به‌دست‌آید و به دایره امثال و داستان‌های این مجموعه علاوه گردد.

این فرهنگ بر پایه نام جانوران از آهو و اسب تا موش و وزغ گردآوری و داستان‌های مطرح‌شده در هریک از آنها از منابع دست‌اول و بدون دستکاری و دخل و تصرف عرضه شده است.

ویژگی دیگر این اثر، بیان روایات گوناگون درباره هر ضرب‌المثل است؛ مثلاً برای «اسب من هم، آنقدرها مادیان نبود»، شش روایت یافته شده که هر شش روایت عیناً از «کتاب کوچه، مجمع الامثال، کلیات عبید زاکانی، دوازده‌هزار مثل فارسی و نصیحه‌الملوک» نقل شده است.

شاخصه اصلی این نوشته (علاوه بر آنچه گفته آمد)، بیان صریح مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و ... است که موجب می‌شود تا خواننده به تألیف مؤلفان اعتماد کند و آن را از سویی‌ای دل‌پذیرد؛ به عنوان مثال:

■ مسائل اجتماعی:

«چو باز باش که سودی بری و لقمه دهی»:

درویشی در بیشه‌ای می‌گذشت و در آثار رحمت و اطوار قدرت اندیشه می‌فرمود ناگاه شاهبازی تیزپیر دید قدری گوشت در چنگال گرفته گیرد درختی پرواز می‌کرد و به اهتزاز تمام بر حوالی آشیانه طواف می‌فرمود از این معنی متعجب شده ...

و

«سه تا بره خورده می‌شود، قصه من گفته می‌شود.»:

چوپانی از دختری در مقابل دادن سه تا بز تقاضای نامشروع کرد! دختر گفت: «سه تا بز تو خورده می‌شود ولی قصه‌ی ننگ و بدنامی برای من تا همیشه بر جا خواهد ماند. بنابراین زود ازم دور شو.»

■ مسائل سیاسی:

«بز بسته ملا نصرالدین است.»:

ملا را دو بز بود یکی از آن دو بگریخت. ملا هرچند کوشید گرفتن آن نتوانست. برگشت و بز بسته را به زدن گرفت. سبب پرسیدند گفت: «شما ندانید اگر این بسته نبود از دیگری چابک‌تر می‌گریخت.»

«خرم تویی، گاوم تویی، گوسفندم تویی.»:

حسین قلی‌خان بختیاری را ظل‌السلطان پسر ناصرالدین شاه حکمران اصفهان به مهمانی به شهر آورده و بسیار تجلیل می‌کرد. روزی که حکمران و مهمان با جمعی از سران شهر در تالار حکومتی نشسته بودند لری سر و پا برهنه وارد شده سلام گفت. خان سر برداشت و خشمگین گفت: «برای چه به شهر آمده‌ای؟» گفت: «آمده‌ام تورا زیارت کنم.» خان گفت: «احمق، خر و گاو و گوسفند خود را رها کردی و چندین فرسخ پیاده به دیدن من آمدی چه ضرورت دارد؟» گفت: ...

■ مسائل اقتصادی:

«برادری سر جاش، بزغاله از یکی هفتصد دینار کم نمی‌شود.»:

شخصی خواست از برادر خود بزغاله‌ای بخرد. برادر گفت: «قیمت هر بزغاله هفتصد دینار است» آن شخص گفت: «اما بین من که برادرت هستم با سایر مشتریان فرقی گذار و به من ارزان‌تر بده!» برادر گفت: «برادری»

«ارزان خری، انبان خری.»:

خادمم را دوش گفتم: «خیز و رو
چون بیاورد و بدیدم، گفتمش:
این نه بریان است، انبان است این!»
کز برایم پاره‌ای بریان خری.
«هیچ خر خورد آن چه تو نادان خری؟
گفت: «چون ارزان خری، انبان خری!»

■ مسائل فرهنگی:

«بچه سوسک به ندهاش گفت لانه ما بو می‌دهد؛ ندهاش گفت بو از خودمان است.»:

سوسک‌های سیاه دارای بویی بس زننده می‌باشند و چون تخم‌هایشان به ثمر می‌رسند سوسک‌ها از بوی بد لانه اظهار ناراحتی می‌کنند. مادرشان لانه را تغییر می‌دهد و چون چند لانه به این صورت عوض می‌شود، مادر به خود آمده می‌گوید نکند بو از خودمان باشد!

«تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود.»:

پسرک خردسالی از مرغدانی همسایه تخم‌مرغی می‌دزد و مادرش که زنی تهیدست و نادان است او را بدین کار تشویق می‌کند. پسرک به تدریج از سرقت تخم مرغ به سرقت مرغ و خروس و بره و بوقلمون اهل محل می‌پردازد و همچنانکه سنین عمرش بیشتر می‌شود دست به سرقت‌های بزرگ‌تری می‌زند تا آن که ...

■ مسائل مذهبی:

«اگر از صراط بگذرم ریش من و آلا دُم سگ.»:

از سلمان فارسی سؤال کردند که ریش تو بهتر یا دُم سگ؟ گفت: «اگر از صراط بگذرم ریش من،

و اَلَا دَم سَگ. »

« شناسند خر را بروی خداوند. »:

مردی بود از ندیمان سلطان محمود که او را ژبیر عاصی گفتندی. مردی خون‌خوار و خون‌ریز و بدکردار بود که به ظلم و فسق مشهور بود! وقتی وزیر سلطان محمود بود، در آن وقت یکی از عابدان آن عصر عزلت اختیار کرده بود. آن شیخ مرتاض در بیرون شهر صومعه‌ای داشت و به عبادت مشغول بود؛ زبیر عاصی در آن روزها به شکار رفته بود و هوا بسیار گرم بود. در مراجعت از شکار گذارش به نزدیک صومعه‌ی شیخ افتاد. چون بدان‌جا رسید زمین سبز و خرمی دید که گفت: « ای زبیر، آن چه لازمه‌ی ارادت بود به جای آوردی. بیا تا تو را به خدمت علی‌بن ابی‌طالب (ع) بَرَم. » چون به خدمت حضرت مشرف گردیدم حضرت فرمود: « یا زبیر برای دوستی ما و شیعیان ما سَگ را اختیار کردی و بر خود برگزیدی، پس مژده باد تو را که فردای قیامت حشر تو، با ما خواهد بود. » چون از خواب بیدار شدم با خود گفتم:

« بدین مژده گر جان فشانم رواست که این مژده آسایش جان ماست »

سعیدالله قره‌بگلو

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان